

Analysis of the role of the social structure of the West Asian region in the formation and expansion of the power axis of Islamic resistance

Mohsen Nasresafhani^{*}, Fatima Nasrolahi^{}**

Parviz Delirpour^{*}, Ahmad Kazemi^{****}**

Abstract

In this article, based on the social structure presented by Vent in the constructivist approach, the analysis of the formation and expansion of the power axis of the Islamic resistance in the West Asian region has been analyzed. Based on this, the triple infrastructures of meaning, material and interests have been analyzed in relation to the West Asian region so that the role of semantic and identity factors, the material environment and the type of interpretation of its actors and the structure of the four interests including ontological security, security material, development and identification in the formation and expansion of the axis of Islamic resistance with emphasis on the leadership of c. AA evaluated. The author starts compiling this research with the premise that one or more material or semantic factors alone cannot be effective in the formation and expansion of the axis of Islamic resistance. The main question of this research is: From the perspective of structuralism, how did the social structure of the West Asian region play a role in the formation of the expansion of the power axis of the Islamic resistance? This article is written in an analytical-descriptive way.

Keywords: axis of Islamic resistance, Islamic Republic of Iran, social structure, structuralism, Islamic revolution.

* Assistant Professor, Department of Education, Payam Noor University, Tehran, Iran (Corresponding Author),
nasresfahani@pnu.ac.ir

** Instructor, Department of History, Payam Noor University, Tehran, Iran, Nasrolahi2023@pnu.ac.ir

*** Assistant Professor, Department of Political Science, Payam Noor University, Tehran, Iran,
parvizdelirpour@pnu.ac.ir

**** Master of Political Science, Payam Noor University, ahmadkazemiarpanahi@gmail.com

Date received: 24/12/2022, Date of acceptance: 07/06/2023





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

تحلیل نقش ساختار اجتماعی منطقه غرب آسیا در شکل‌گیری و گسترش قدرت محور مقاومت اسلامی

محسن نصرافهانی*

فاطمه نصرالهی**، پرویز دلیرپور***، احمد کاظمی****

چکیده

در این مقاله براساس ساختار اجتماعی که ونت در رویکرد سازه‌انگاری ارائه داده است، به تحلیل چگونگی شکل‌گیری و گسترش قدرت محور مقاومت اسلامی در منطقه غرب آسیا پرداخته شده است. براین اساس زیرساخت‌های سه‌گانه معنایی، مادی و منافع در رابطه با منطقه غرب آسیا مورد تحلیل قرار گرفته است تا بتوان نقش عوامل معنایی و هویتی، محیط مادی و نوع تفسیر بازیگران آن و ساختار منافع چهارگانه شامل امنیت هستی‌شناسی، امنیت مادی، توسعه و شناسایی را در شکل‌گیری و گسترش محور مقاومت اسلامی با تاکید بر رهبری ج.ا. مورد ارزیابی قرار داد. نگارنده با این پیش‌فرض شروع به تدوین این پژوهش می‌کند که یک یا چند عامل صرفاً مادی یا معنایی نمی‌توانند به تنهایی در شکل‌گیری و گسترش محور مقاومت اسلامی موثر باشند. سوال اصلی این پژوهش عبارت است از: از منظر سازه‌انگاری ساختار اجتماعی منطقه غرب آسیا چگونه در شکل‌گیری گسترش قدرت محور مقاومت اسلامی نقش داشته است؟ این مقاله به شیوه تحلیلی-توصیفی نگاشته شده است.

کلیدواژه‌ها: محور مقاومت اسلامی، جمهوری اسلامی ایران، ساختار اجتماعی، سازه‌انگاری، انقلاب اسلامی.

* استادیار گروه معارف، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول)، nasresfahani@pnu.ac.ir

** مربی گروه تاریخ، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران، Nasrolahi2023@pnu.ac.ir

*** استادیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران، parvizdelirpoor@pnu.ac.ir

**** کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشگاه پیام نور، ahmadkazemiarpanahi@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۰۳، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۱۷



۱. مقدمه

مفهوم مقاومت اسلامی با انگیزه و هدف تقابل با سلطه جویی تمدنی جهان غرب بر کشورهای اسلامی شکل گرفت و وقوع انقلاب اسلامی در ایران با تمرکز بر ظرفیت ایجاد ائتلاف درمقابل با بحران‌های منطقه‌ای نگرشی جدید در ساختار مفهوم مقاومت ایجاد نمود. انقلاب اسلامی ایران توان و استعداد تحولات اساسی را در ساختار منطقه غرب آسیا به نمایش گذاشت. محور مقاومت اسلامی در حقیقت مقاومت کشورها، سازمان‌ها، گروه‌ها و افراد براساس اسلام در برابر تهاجم نظام سلطه و متحدان آن که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در سطح منطقه و با محوریت مسئله فلسطین و مقاومت در برابر تجاوزات اسرائیل متبلور شد. در طی دهه‌های اخیر با الگوپذیری سایر ملت‌های منطقه از مبانی و اصول تحول‌زای انقلاب اسلامی و با بهره‌گیری از تحولات بیداری اسلامی، شیوه‌ای از ائتلاف نانوشته بین دولت‌ها و ملت‌های منطقه با محوریت قدرت مقاومت اسلامی جهت مقابله با سیاست‌های نظام سلطه در منطقه غرب آسیا شکل گرفت. واقعیت این است که ظهور و گسترش قدرت محور مقاومت اسلامی مسئله‌ای پیچیده و ریشه‌دار است و از این رو نمی‌توان شکل‌گیری و گسترش محور مقاومت را تنها به یک یا چند عامل مرتبط دانست، بلکه تمامی عوامل مختلف نقش داشته و از وزن و جایگاه خاصی در گسترش محور مقاومت برخوردارند، اما پرداختن به تمامی این عوامل و ارتباط برقرار کردن بین آن‌ها با گسترش قدرت محور مقاومت اسلامی بدون داشتن چارچوبی مشخص که توانایی تحلیل جزء به جزء و نتیجه‌گیری منسجم را داشته باشد، امکان‌پذیر نیست، بنابراین ما باید یک ساختار قوی را جهت بررسی این موضوع انتخاب کرده و تمامی عوامل دخیل در شکل‌گیری و گسترش قدرت محور مقاومت اسلامی را در داخل این ساختار در ارتباط با یکدیگر تحلیل نماییم و یک رابطه منطقی بین این عوامل و ظهور و گسترش محور مقاومت پیدا نماییم، لذا در این مقاله با توجه به وجه عینی - ذهنی رویکرد سازه‌نگاری و نیز لزوم پرداختن به واقعیت‌های سرزمینی و منطقه‌ای و نیز ایدئولوژی‌ها، هویت‌ها و منافع از این رویکرد بهره برده شده است. نگارندگان نظریه سازه‌نگاری به‌ویژه مفهوم ساختار اجتماعی را نسبت به سایر نظریات حائز توانایی بیش‌تری جهت ارائه یک درک جامع مبتنی بر عوامل سه‌گانه معنایی، مادی و منافع می‌دانند. سوال اصلی پژوهش حاضر بدین شکل است: از منظر سازه‌نگاری ساختار اجتماعی منطقه غرب آسیا چگونه سبب شکل‌گیری و گسترش قدرت محور مقاومت اسلامی در منطقه شده است.

۲. پیشینه پژوهش

با توجه به درهم تنیدگی و پیچیدگی موضوعات در منطقه غرب آسیا در طی دهه‌های اخیر و نیاز به مطالعه دقیق و منسجم در این منطقه که به لحاظ شاخصه‌های ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژی حائز اهمیت فراوانی است، محور مقاومت از جمله مهم‌ترین پدیده‌های چند دهه اخیر در منطقه غرب آسیا است که ذهن نویسندگان و تحلیل‌گران را به خود مشغول ساخته است، لذا شکاف تحقیقاتی انجام شده در موضوع مذکور از حیث ساختارهای اجتماعی و شکل‌گیری محور مقاومت ناشی از این ساختارها به‌خوبی واضح و قابل تامل می‌باشد، پژوهش حاضر درصدد برقراری ارتباط محکم بین ساختارهای اجتماعی غرب آسیا و شکل‌گیری قدرت محور مقاومت می‌باشد. در ذیل به تحقیقات صورت گرفته در این زمینه اشاره خواهیم داشت.

نساج، گودرزی و گودرزی طاقانکی (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با موضوع «مبانی نظری مقاومت اسلامی با نگاهی بر انترناسیونالیسم اسلامی» عنوان کردند که؛ باتوجه به این‌که اسلام سلفی با تکیه برظواهر قرآن و سنت، هرگونه گرایش‌های فلسفی، عقلی، کلامی را در حوزه دیانت برنمی‌تابد و مدعی انحصارگری اسلام‌گرایی است و با تکفیر سایر گروه‌های اسلامی و غیراسلامی به اعمال خشونت می‌پردازد، اسلام سکولار با نگاه نفی‌انگارانه نسبت به جایگاه دین در جامعه و کوبیدن بر طبل جدایی دین از سیاست و پیروی از لیبرال دموکراسی غربی و همکاری با اسرائیل و آمریکا در موقعیتی انفعالی در برابر سایر گفتمان‌ها قرار گرفته و از استقلال کافی برای هژمون ساختن مفاهیم گفتمانی خویش برخوردار نیست، گفتمان لیبرال دموکراسی غربی در درون خود دارای تضادهایی است که آن را با چالش جدی در عصر جهانی شدن مواجه کرده است، گفتمان مسیحیت صهیونیستی نیز بنا به دلایل عقلی و منطقی و به لحاظ تاریخی از جمله نگاه نژادپرستانه نسبت به سایر انسان‌ها و منطق تجاوز و اشغال‌گری و برداشت‌های انحرافی درخصوص رسالت خویش در ترسیم آینده جهان از قابلیت‌های لازم جهت هژمون شدن برخوردار نیست.

محمودی رجا، باقری دولت آبادی و رواش (۱۳۹۷) در تحقیقی با عنوان «بررسی محور مقاومت و آینده نظام سلطه با استفاده از نظریه نظام جهانی» بیان کردند، درواقع محور مقاومت در نظریه والرشتاین جزء آن دسته از جنبش‌های جدید جهان سوم است که مضامین جهان‌شمول غربی را رد می‌کنند و در شکل‌های بومی، اعتراض اغلب در پوشش مذهبی مطرح می‌شود. براساس نظریه والرشتاین، هژمون باید با استفاده از زور بر نظام جهانی محدودیت‌هایی را وضع کند تا این‌که بتواند ثبات خود را حفظ نماید. موفقیت‌های روزافزون

گروه مقاومت در خاورمیانه در مواردی چون موفق شدن ایران برای قانع کردن افکار عمومی جهان برای موجه جلوه دادن استفاده از انرژی صلح آمیز هسته‌ای در رقابت سنگین با قدرت‌های جهان، به بن بست رسیدن اهداف ژئوپلیتیک و استراتژیک غرب در منطقه در کشورهای عراق، افغانستان و سوریه، پیروزی‌های گروه‌های مقاومت و افکار هم‌سو با آنان در رقابت‌های انتخاباتی در کشورهای افغانستان، عراق، سوریه و حتی لبنان و فلسطین و... نشان می‌دهد که جبهه مقاومت خود را به‌عنوان یک قدرت نوظهور در منطقه آماده می‌کند. تلاش نظام سلطه برای منزوی کردن اعضای محور مقاومت به وسیله تحریم‌های مختلف همگی ناشی از ظهور هویت و ایدئولوژی جدیدی در عرصه روابط بین‌الملل است که مهم‌ترین خطر برای نظام سلطه محسوب می‌شود.

غفاری هاشم‌پور، محمدی و نیکونهاد (۱۴۰۰) در پژوهشی با موضوع «سناریوهای پیش‌رو آینده محور مقاومت براساس عدم قطعیت‌های بحرانی» اساس و زیربنای شکل‌گیری محور مقاومت در مرحله اول، گفتمان آن است و گفتمان مقاومت قبل از شکل‌گیری عملیاتی و جغرافیایی آن متولد شده است. تداوم نقش‌آفرینی فعالانه این محور در معادلات منطقه‌ای و جهانی نیازمند تعالی بخشی گفتمانی و اتخاذ راهبردهای عقلانی است که لازم است در دستور کار این جبهه قرار گیرد. راهبردهای محور مقاومت در مواجهه به سناریوهای پیش‌رو بدین شکل خواهد بود؛ توسعه و تعمیق گفتمانی مبتنی بر گفتمان اصیل اسلامی و قرآنی از طریق تعاملات پویا، توسعه کنش و عمل عقلانی در مواجهه با بحران‌ها برگرفته از گفتمان اصیل حفظ اتحاد و انسجام درون جبهه‌ای در پیوستگی با نخبگان فکری و ملت‌ها، بهره‌گیری از ظرفیت‌های رسانه‌ای در تعامل با رسانه‌های نوین در جهت تعمیق گفتمانی و تبیین دستاوردها، کنش‌گری شبکه‌ای در جهت تثبیت الگوی بازدارندگی در مقابل تهدیدات طرح گفتمان مقاومت فعالانه در نظام بین‌الملل به‌عنوان جایگزینی برای وضع موجود بین‌المللی توسعه و تبیین مفاهیم دال مرکزی گفتمانی همانند عدالت‌خواهی، صلح‌گرایی، استقلال‌خواهی و ... در میان ملت‌ها خواهد بود.

هاشم‌پور، حقیقی و زارعی (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با موضوع «هویت بخشی انقلاب اسلامی ایران به محور مقاومت اسلامی» (مطالعه موردی: حزب‌الله لبنان) «نشان دادند که؛ انقلاب اسلامی ایران توانسته است با قدرت نرم خود از قبیل تاکید بر روحیه شهادت‌طلبی، دین‌محوری، نمادگرایی شیعه، اعتقاد به ولایت فقیه، مبارزه با صهیونیسم و نظام سلطه در ابعاد منطقه‌ای، دست به هویت بخشی به سایر جنبش‌های اسلامی از جمله جنبش حزب‌الله لبنان زده و باعث شود تا

جنبش حزب الله پس از یک دوره عسرت و سستی از خواب غفلت هشیار شده، هویت تازه‌ای یافته و باعث نقطه عطفی در احیای هویت دینی آنان گردد. به عبارتی دیگر، جمهوری اسلامی ایران توانسته است در اتحاد با این جنبش و سایر جنبش‌های شیعی علی‌رغم نائل شدن به اهداف استراتژیک خود در منطقه، ایدئولوژی هویت‌بخش شیعیان را نیز در خدمت استراتژی قرار دهد و از رهگذر آن به گسترش و شکل‌گیری محور مقاومت اسلامی کمک کند.

۳. مبانی و چهارچوب نظری پژوهش

۱.۳ سازه‌انگاری

سازه‌انگاران به‌ویژه ونت از منظر هستی‌شناختی جهان و موجودات آن را «در حال شدن» می‌بینند تا «بودن». به عبارت دیگر آن‌ها از «آرمان‌گرایی» در مقابل «مادی‌گرایی» و از ذهنیت‌گرایی در مقابل عینیت‌گرایی دفاع می‌کنند. سازه‌انگاران بر حیات مادی و غیرمادی حیات اجتماعی تاکید دارند. این دیدگاه به صورت بینابینی معتقد است؛ موجودیت‌های اجتماعی اگر بعد مادی هم داشته باشند، یک جنبه گفتمانی نیز دارند، یعنی جدا از دلائل و فهم کنش‌گران نیستند، در عین حال به این معنا نیست که قابل تقلیل به فهم کارگزاران هستند و همان‌گونه عمل می‌کنند که آن‌ها می‌پندارند. در این دیدگاه در مطالعه ساختار پدیده‌های اجتماعی باید علاوه بر توجه به ساختارهای مادی به ساختارهای معنایی توجه داشت. ونت به‌خوبی این دو وجه را در تعریف خود از سازه‌انگاری جمع کرده است، او سازه‌انگاری را دیدگاهی می‌داند که نشان می‌دهد «چگونگی شکل دادن به جهان مادی به کنش انسانی و شکل گرفتن جهان مادی توسط کنش و تعامل انسانی وابسته به تفاسیر پویای هنجاری و معرفت‌شناختی جهان مادی است، این به معنای نقش جهان مادی در برساختن جهان اجتماعی است (نصرافهانی و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۵۵). از دیدگاه سازه‌انگاران؛ نظام بین‌الملل متشکل از توزیع انگاره‌ها است تا توزیع توانمندی‌های مادی و اولویت در مناظره ماده و معنا، متعلق به انگاره‌ها و اندیشه‌ها است. بعد هستی‌شناختی که از جمله گزاره‌های مهم فرانظری سازه‌انگاری است، شامل سه گزاره مهم و بنیادین است: ۱. ساختارهای فکری به اندازه ساختارهای مادی اهمیت دارند ۲. گزاره هویت‌ها هستند که به منافع و کنش‌ها شکل می‌دهند ۳. کارگزاران و ساختارها متقابلاً به هم شکل می‌دهند (هادیان، ۱۳۸۲: ۹۱۹). با مطرح شدن نقش عوامل غیرمادی و هویت‌ساز، زمینه تحلیل جدیدی در عرصه روابط بین‌الملل به وجود آمد که در قالب نظریه سازه‌انگاری معنا و مفهوم پیدا می‌کرد. درحقیقت هویت در کانون رهیافت سازه‌انگاری است؛ آن‌ها اموری رابطه‌ای هستند و

باید به عنوان مجموعه‌ای از معانی تلقی شوند که یک کنش گر با در نظر گرفتن چشم‌انداز در دیگران یعنی به عنوان یک عامل مهم ساختاری اجتماعی به خود نسبت می‌دهد (Wendt, 1994: 34). سازه‌انگاری قائل به دیدگاه بینابینی است؛ یعنی از یک سو به نقش ایده‌ها، ذهنیات، قواعد، هنجارها، فرهنگ و رویه‌ها توجه دارد و از سوی دیگر نقش عوامل مادی و فیزیکی را نیز کاملاً مردود نمی‌داند. به سخن دیگر، این نظریه بر آن است که نمی‌توان روابط میان دولت‌ها و سیاست بین الملل را در حد یک سلسله تعاملات و رفتارهای عقلانی و در چارچوب‌های صرفاً مادی و فیزیکی در سطوح ملی و بین‌المللی تقلیل داد، بلکه باید به عوامل ناشی از نقش انگاره‌ها، قواعد و هنجارها در شکل‌دهی روابط بین‌الملل در کنار ساخت مادی آن توجه داشت و در رابطه با تأثیر هنجارها، ذهنیت و عوامل فکری در شکل‌دهی به رفتار کنش‌گران، جایگاه ویژه‌ای را برای هویت، ذهنیت، هنجارها و انگاره‌ها و بویژه فرهنگ قائل شد (Philpott, 2011: 32).

سازه‌انگاری بر قوام متقابل ساختار و کارگزار تأکید می‌کند. از سوی دیگر سازه‌انگاری در بررسی ساختار، برخلاف واقع‌گرایان، آن را در ابعاد مادی خلاصه نمی‌کند و بر بعد معنایی و زبانی ساختارها تأکید دارند و این تعاملات بر اساس قواعد و هنجارهایی صورت می‌گیرد که جنبه بین ذهنی دارند، این جامعه مانند هر جامعه دیگری به اشخاص و کنش‌گران قوام می‌بخشد و در عین حال اعمال اشخاص و کنش‌گران است که به آن شکل می‌دهد. ساختارهای اجتماعی نتیجه تعامل هستند. به گفته ونت از طریق تعامل متقابل است که ساختارهای نسبتاً پایداری را می‌آفرینیم و مصداق می‌بخشیم و بر حسب همان، هویت‌ها و منافع‌مان را تعریف می‌کنیم. تعامل سبب می‌شود هویت‌های جمعی بازیگران متفاوت در جریان کنش متقابل و واکنش‌ها و پاسخ‌های مجدد دچار دگرگونی، تغییر و بازتولید شوند. کنش‌گر در جریان پی‌گیری منافع خود رفته رفته ناگزیر است در نظام هویتی خود تجدید نظرهایی را قائل شود تا در فضای جدید بهتر بتواند علایق و منافعش را به دست آورد (متقی و رشیدی، ۱۳۹۴: ۱۱۷-۱۱۶). الکساندر ونت در کتاب نظریه اجتماعی سیاست بین‌الملل به ارائه چارچوبی از ساختار اجتماعی می‌پردازد که خود شامل سه زیر ساختار: ساختار معنایی، ساختار مادی و ساختار منافع است (افضلی و دیگران، ۱۳۹۱: ۳).

سه ساختار به صورت متقابل به یکدیگر قوام می‌بخشند و سبب بازتولید و دگرگونی در یکدیگر می‌شوند. ساختار مادی محصول ساختار منافع و ساختار معنایی است و خود ساختار معنایی به ساختارهای دوگانه دیگر قوام می‌بخشد و به ترتیب این امر در مورد هر یک از این

تحلیل نقش ساختار اجتماعی منطقه غرب آسیا ... (محسن نصرافهانی و دیگران) ۱۲۱

ساختارها صدق می‌کند. ساختار معنایی همان مجموع تصورات، هنجارها، رویه‌ها و انگاره‌ها و هویت‌ها را مشخص می‌سازد و ساختار مادی نیز به وجود سرزمینی و مناطق و منابع بازیگری و تشکیلات و سازمان‌های سیاسی و دولتی و درکل فضای عینی محیط بر کنشگر اطلاق می‌گردد. ساختار منافع نیز شامل مجموعه از منافع است که در اثر یک ساختار معنایی و در قالب ساختاری مادی تکوین می‌یابد (متقی و رشیدی، ۱۳۹۲: ۹۳). براساس هویت جمعی که مهم‌ترین نوع هویت در تحلیل روابط کنشگران بین‌المللی است، چهار دسته از منافع شکل می‌گیرد. الف. امنیت مادی (سرزمین و حکمرانی)؛ ب. امنیت هستی‌شناختی: موجد میل به هویت‌های اجتماعی باثبات است (یعنی کنش‌گران تمایل به حفظ هویت خود دارند)؛ ج. شناسایی: به‌عنوان کنش‌گر از سوی دیگر کنش‌گران به‌شکلی از ثبات و ماندگاری و بقا را می‌طلبند؛ د. توسعه: به‌معنای تامین خواسته‌های انسانی برای زندگی بهتر که دولت‌ها در سطح جمعی مسئول آن شناخته می‌شوند (Wendt, 1994: 385).

کنش‌گران براساس نظام معنایی خود به ساختار مادی نگاه می‌کنند و به آن واقعیت می‌بخشند، در حالی که این ساختار مادی بدون ایده‌های کنش‌گران واقعیتی ندارد و از ارزش ساقط است، بنابراین دو ساختار معنایی (هویت و انگاره‌ها) و ساختار منافع در ارتباط تنگاتنگ با ساختار مادی قرار دارند.

۴. ساختار معنایی و محور مقاومت اسلامی

در رویکرد سازه‌انگاری، سازه معنایی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و در تفسیر بازیگران از محیط و سازه مادی و سازه منافع خود و دیگران نقش مهمی دارد. ساختار یا سازه معنایی به‌عنوان بخشی از ساختار اجتماعی در رفتارها و رخداد‌های سیاسی و اجتماعی کنش‌گران نقش‌آفرینی می‌کند.

۱.۴ احیای هویت اسلامی از طریق نفی نظام سلطه

غرب آسیا از سه دهه پیش تاکنون شاهد حضور و شکل‌گیری دو جریان و ائتلاف بزرگ منطقه‌ای بوده است، که همواره در مقابله یکدیگر قرار داشته‌اند، موفقیت یکی در منطقه به معنی کاهش نفوذ دیگری در دیگر مناطق می‌باشد، این دو محور عبارت‌اند از محور سازش به رهبری ریاض و قاهره که حمایت از منافع غرب و حفظ وضعیت کنونی در حمایت از

دیکتاتورهای موجود را سرلوحه عمل خویش قرار داده است. حزب الله و حماس که دفاع از آرمان فلسطین را جزئی از وظایف خود می‌دانند و محور مقاومت با حضور تهران، دمشق و مقابله‌جویی با نظام سلطه (نومحافظه‌کاری) را در دستور کار خود قرار داده‌اند. اتحاد مقاومت اسلامی بر مبنای کنش‌گری انقلاب اسلامی به منظور احیای مبانی معنایی قدرت انقلاب اسلامی نقش موثری در مبارزات و ایستادگی ملت‌های منطقه غرب آسیا در جهت مقابله با تهاجمات و نفی سلطه‌گران خارجی داشته است، این جبهه با محوریت جمهوری اسلامی ایران و عضویت سوریه، عراق، حزب الله لبنان و گروه‌های مبارز فلسطینی و...، آرایش سیاسی بازیگران منطقه غرب آسیا را تغییر داده است (آدمی و کشاورز مقدم، ۱۳۹۴: ۱۹-۷). انقلاب اسلامی با پیروزی در سال ۱۳۵۷ با شعارها و گفتمان‌هایی نظیر تلاش برای برقراری حکومت جهانی اسلام، نفی سلطه و سلطه‌جویی، حمایت از مستضعفان و نهضت‌های آزادی‌بخش، تبلیغ اسلام و دعوت به مذهب شیعه و شروع تفکر ام‌القری بودن ایران برای جهان اسلام، کانون پخش و اشاعه ارزش‌های دینی در منطقه شد و چنان تأثیرات قوی در منطقه داشت که کسانی هم که علاقه‌ای به انقلاب اسلامی نداشتند، تحت تأثیر آن قرار گرفتند (برزگر حسینی، ۱۳۹۲: ۱۷۸-۱۷۷). انقلاب اسلامی ایران توانسته بر الگوهای ایستادگی سایر ملت‌های منطقه در نفی نظام سلطه تأثیر مستقیم بگذارد و ارزش‌هایی چون تلاش برای آزادی و استقلال، ظلم‌پذیری، مبارزه با استکبار و همدردی با مستضعفین را به سایر ملت‌های منطقه بیاموزد (میلانی و اسماعیلی، ۱۳۹۳: ۶۱). انقلاب اسلامی ایران نه تنها در تحولات ایران فصل نوینی پدید آورد، بلکه فراتر از مرزهای ایران در سطح منطقه استراتژی خلیج فارس و خاورمیانه و کشورهای اسلامی دیگر نقاط جهان در غرب و شرق دگرگونی فکری و سیاسی پدید آورده و روابط و معادلات جاری بین‌المللی را متحول نمود (مجرد، ۱۳۸۶: ۲۵).

۲.۴ انقلاب اسلامی و گسترش محور مقاومت اسلامی

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، گفتمان «مقاومت» به عنوان یکی از بازتولیدهای کلان گفتمان «انقلاب اسلامی» به مثابه یکی از کارآمدترین و واقع‌بینانه‌ترین رویکردهای دخیل در سیاستگذاری راهبردی جمهوری اسلامی ایران برای کسب هویت و حفاظت از منافع ملی چه در بعد داخلی و چه در عرصه بین‌الملل مطرح شد، که در حال حاضر نیازمند طراحی الگوی دقیق و متناسب با شرایط زمانی و مکانی است.

انقلاب اسلامی به تأسی از اسلام ناب محمدی (ص) هیچ تفاوتی میان مسلمانان و سایر مذاهب و ملیت‌ها تفاوت قائل نیست و تلاش کرده از طریق ایجاد دارالتقرب فرق اسلامی، برپایی روز قدس، برگزاری هفته وحدت و... باعث اتحاد هر چه بیش‌تر مسلمانان شود؛ مردم‌داری و مردم‌گرایی انقلاب اسلامی، عامل دیگری در گسترش انقلاب و پذیرش آن از سوی ملت‌های مسلمان بوده است (سیمبر و همکاران، ۱۳۹۳: ۸-۱). انقلاب اسلامی توانست نقش خود را در جهانی کردن مسئله فلسطین و تعمیق مبارزات و مبارزه با اسرائیل را در ابعاد جهانی توسعه ببخشد. با پذیرش نمادها و شعارهای انقلاب اسلامی به‌عنوان اصول اساسی جهاد از سوی گروه‌های اصول‌گرای اسلامی و تأکید آنان بر شهادت، فداکاری و سلحشوری در راه هدف انقلاب اسلامی در منطقه غرب آسیا نهاده‌شده (نوروزی، ۱۳۹۱: ۴۹). سیاست بین‌الملل، مانند انواع دیگر سیاست، مبارزه و کشمکش برای تأمین عدالت و سعادت انسان و جامعه بشری است. هدف در روابط بین‌الملل صحنه تقابل و مبارزه جوامع حق‌طلب با جوامع باطل و منحط است که نهایتاً به پیروزی جبهه حق بر باطل می‌انجامد. در روابط بین‌الملل کسب حداکثر قدرت، امنیت و بلکه غایت اصلی تأمین عدالت، سعادت و تعالی در راه رسیدن به حق تعالی است (دهقانی فیروز آبادی، ۱۳۹۰). انقلاب اسلامی باعث تقویت و ظهور بازیگران جدید غیردولتی (جنبش‌ها و ملت‌ها) بالخصوص در غرب آسیا شد و ساختار سیاسی و نحوه توزیع قدرت میان بازیگران روابط بین‌الملل را تحت تأثیر قرار داد (رضاپور، ۱۳۹۳: ۱۴۱). در زمانی که انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ به وقوع پیوست، فضای دوقطبی و جنگ سرد بر عرصه بین‌المللی و منطقه خاورمیانه حاکم بود و بیش‌تر کشورهای این منطقه به یکی از بلوک‌های ایدئولوژیکی شرق یا غرب تعلق داشتند. انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی (ره) اصول و ساختاری را بنا نهاد که در حوزه سیاست خارجی انقلاب اسلامی را ورای قدرت قطب‌های شرق و غرب قرار داد، اصل صدور انقلاب اسلامی، اصل نفی سلطه، دفاع از تمامیت اسلام و مسلمانان، احترام متقابل و عدم دخالت در امور دیگران، نفی ظلم و دفاع از ظالم، اصل نه شرقی نه غربی، کمک و حمایت از جنبش‌های آزادی‌بخش و وحدت امت اسلامی از جمله اصولی است که انقلاب اسلامی به‌عنوان عامل اتحاد و وحدت محسوب می‌شود (Salehzadeh, 2013).

۵. ساختار مادی و محور مقاومت اسلامی

سازه‌انگاری بر خلاف سایر رویکردها مانند رویکردهای اثبات‌گرا، عینیت‌پدیده از آن حیث اهمیت دارد که براساس تجارب و انباشت‌های ذهنی انسان قابل تفسیر و شناخت است. ساختار مادی در رویکرد سازه‌انگاری، از نظر ونت دارای اهمیت ویژه‌ای است، این امر ریشه در دو وجهی بودن هستی‌شناسی در سازه‌انگاری و اعتقاد به عینی و ذهنی بودن پدیده‌هاست، ساختار اجتماعی حاکم بر غرب آسیا یک ساختار دوگانه و تعارض‌آمیز است و زمینه هرگونه تضاد و تقابل و درگیری را فراهم نموده است.

۱.۵ موقعیت ژئوپلیتیک منطقه غرب آسیا

کدهای ژئوپلیتیک پیش‌فرض‌های استراتژیک هستند که از آن‌ها به‌عنوان عناصر و درون‌مایه اصلی شکل‌دهنده به سیاست خارجی یک دولت در مقابل دولت‌های دیگر یاد می‌شود، رفتاری که دولت‌ها از طریق آن خود را برای جهان معرفی می‌کنند (قلی‌زاده، ۱۳۹۰: ۲۳۲). بسترهای ژئوپلیتیک در غرب آسیا مبتنی بر عوامل جغرافیا، سیاست و قدرت هستند. عموم صاحب‌نظران این منطقه از جهان را قلب زمین می‌دانند و از آن به‌عنوان حوزه جغرافیای ژئوپلیتیک جهان یاد کرده‌اند. بدون تردید غرب آسیا دارای ظرفیت‌های فراوانی در سطح جهانی می‌باشد، منطقه‌ای که از یک سو بخش اعظم ذخائر منابع و ذخائر انرژی دنیا را در خود جای داده است و از سوی دیگر شاهراه ارتباطی جهان می‌باشد، البته سیاست‌های قدرت‌های جهانی را به خود معطوف کرده است (روشندل، ۱۳۷۴: ۱۰۲). با پایان یافتن نظام دوقطبی، غرب آسیا شاهد تأثیرپذیری از متغیرهای جدیدی به غیر از متغیرهای امنیتی جنگ سرد بین دو بلوک قدرت می‌شد و همین ورود متغیرهای جدید منجر به ظهور و پیدایش فضای جدیدی در غرب آسیا می‌شود که تحلیل شرایط جدید بسیار با دشواری همراه بوده است، اگرچه تهدیدات نظامی و مسائل امنیتی در غرب آسیا پس از فروپاشی نظام دوقطبی ادامه می‌یابد و مسابقه تسلیحاتی هم‌چنان در دستور کار کشورهای مهم منطقه قرار دارد، اما درگیری‌های قومی - مذهبی و یا ایدئولوژیک نیز نمایان می‌شود و ریشه بسیاری از منازعات کنونی در غرب آسیا، سیاست‌های استعمار و هم‌پیمانش می‌باشد (نجفی، ۱۳۹۴: ۳۴۲). اختلافات میان مذهب سنی و شیعه از دیگر عوامل ناپایداری ثبات در غرب آسیا است. اصلی‌ترین و عمیق‌ترین شکاف و گسل مذهبی که در طی چند سال اخیر بیش‌تر مشاهده می‌شد، میان وهابیت با محوریت عربستان سعودی و شیعیان با محوریت جمهوری اسلامی ایران است، این مسئله ضمن عمیق‌تر کردن شکاف مذهبی به

حادثه‌تر شدن و پیچیده‌تر شدن موضوع می‌انجامد و با توجه به حمایت از گروه‌های مقاومت از سوی ملت‌های منطقه در غرب آسیا، شاهد شکل‌گیری قدرت روزافزون محور مقاومت اسلامی در غرب آسیا براساس عوامل ژئوپلیتیک در منطقه خواهیم بود (اسلامی، ۱۳۹۴: ۵۵). ۶۶ درصد نفت خام دنیا در اختیار شش کشور حوزه خلیج فارس قرار دارد. چهار کشور عربستان سعودی، ایران، عراق و کویت، بیش‌ترین منابع انرژی را دارا می‌باشند. هم‌چنین ایران، دومین و قطر، سومین کشور دنیا به لحاظ دارا بودن ذخایر گاز طبیعی هستند. از آن‌جایی که نوع بشر، هنوز موفق به یافتن جایگزینی مطمئن برای نفت و گاز نشده است و از طرفی، منابع هیدروکربنی در حوزه‌هایی چون دریای شمال و کارائیب در حال اتمام است؛ در نتیجه، منطقه ژئوپلیتیک خلیج فارس، طی حداقل ربع قرن آینده به علت تأمین بخش عمده‌ای از نیازهای اقتصاد جهانی، مورد توجه خاص قرار خواهد داشت (Salloukh, 2015: 47).

۲.۵ موقعیت انرژی منطقه غرب آسیا

در ساختار انرژی و زیرساخت‌های طبیعی در غرب آسیا می‌توان به عوامل ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک اشاره کرد که نفت و گاز به واسطه اهمیتی که در مبادلات غرب آسیا با جهان خارج دارد، باعث نیاز روزافزون اقتصادهای بزرگ جهانی از جمله ایالات متحده آمریکا، اتحادیه اروپا، ژاپن و هندوستان اشاره کرد که روز به روز از این طریق به قدرت و قابلیت‌های اقتصادی محور مقاومت افزوده خواهد شد (فرجی، ۱۳۹۲). مفهوم امنیت انرژی، به عرضه مداوم و مطمئن (با قیمت‌های معقول حامل‌های انرژی بازمی‌گردد، کسانی که از این واژه استفاده می‌کنند، دنبال آن‌اند که تهدیدهای ژئوپلیتیک، اقتصادی، تکنیکی، زیست محیطی و روانی ناظر بر بازارهای انرژی را کاهش دهند، اما مراد از به‌کار بردن این واژه توسط سیاستمداران ناظر بر این موضوع است که اولاً دسترسی آسان به منابع نفت و گاز جهانی وجود داشته باشد، ثانیاً این منابع به صورت منطقی دارای تنوع و گوناگونی از لحاظ منطقه جغرافیایی منابع و هم‌چنین مسیرهای انتقال باشند و ثالثاً جریان نفت و گاز اغلب از نقاطی تأمین شوند که ثبات و عدم تغییر در حکومت‌های آنان درازمدت باشد، بنابراین مصرف‌کنندگان نفت و گاز، امنیت انرژی را از دیدگاه خود مطرح می‌سازند و طبیعی است که تولیدکنندگان نیز به دنبال تعریف خاص خود از این مفهوم باشند. امنیت انرژی برای تولیدکنندگان در آن است که به یک بازار مداوم و همراه رشد منطقی در آینده دسترسی داشته باشند، زیرا بیش‌تر تولیدکنندگان نفت از گروه اقتصادهای تک محصولی‌اند که به فروش نفت وابسته‌اند (ملکی، ۱۳۸۶: ۲۰۹-۲۰۸).

۶. ساختار منافع و محور مقاومت اسلامی

ساختار منافع در منطقه غرب آسیا به صورتی متعارض شکل گرفته است، براساس ساختار منافع و تاثیر آن بر ساختار اجتماعی غرب آسیا که سبب گسترش و شکل گیری قدرت محور مقاومت اسلامی شده است، به بررسی مولفه های تاثیرگذار در ایجاد این ساختار خواهیم پرداخت.

۱.۶ امنیت هستی شناسی

پس از ۱۱ سپتامبر و برجسته تر شدن تهدیدهای گروه های تروریستی و حکومت های یاغی، آمریکایی ها با دکرین جنگ پیش دستانه تنها راه مقابله با تهدیدات جدید را پیشگیری و پیش دستی و مهندسی اجتماعی و ملت سازی در قالب طرح خاورمیانه بزرگ می دانستند (امینان، ۱۳۸۶: ۲۲۱). محور مقاومت اسلامی به عنوان یک گفتمان فرهنگی، اجتماعی و امنیتی، نظامی با یک سری عوامل هم گرا و هویت بخش و یک سری عوامل واگرا و تفرقه آفرین مواجه است که امنیت و هویت هستی شناسی منطقه را با چالش جدی مواجه کرده است. عوامل هم گرا و هویت بخش عمدتاً تحت تاثیر مؤلفه های فرهنگی و اجتماعی انقلاب اسلامی ایران شکل گرفته و عوامل واگرا ریشه در هویت های قومی، فرهنگی، جغرافیایی و سیاسی منطقه دارند. از آنجایی که بسیاری از شاخصه های فرهنگی حاکم بر اعضای محور مقاومت اسلامی ماهیت هویت گرا، عدالت جو یانه و شالوده شکن دارند، توانسته اند سایر جنبش های اسلامی در سطح منطقه جهان را تحت تاثیر قرار دهند، به عبارت دیگر آرمان ها، هنجارها و ارزش های هویت بخش به محور مقاومت با منشا انقلاب اسلامی به عنوان یک گفتمان فراملی نه تنها شیعیان و جهان اسلام، بلکه کلیه مظلومان و مستضعفان جهان را در برمی گیرد و در بین ملت های تحت ظلم همانند سوریه، فلسطین، لبنان و عراق به عنوان گفتمانی غالب تحت عنوان مقاومت اسلامی شکل گرفته است (کریمی، ۱۳۹۶: ۷). مقاومت از قدرت تولید می شود و میزان و چگونگی مقاومت در تقابل بین قدرت و مقاومت بسیار تعیین کننده است، زیرا اصولاً مقاومت از حداقل ابزارها در مقابل قدرت برخوردار است، جز این که مقاومت از ابزاری مانند تفکرات ایدئولوژیک نیز استفاده می کند. وقتی مقاومت از ایدئولوژی استفاده می کند، توان مضاعفی را کسب کرده و پشتمانه مردمی قوی برای خود جهت کسب امنیت ایجاد می کند و از ابزارهای غیرفیزیکی نیز بهره مند می شود (اکبری، ۱۳۸۸: ۱۵۴). منطقه غرب آسیا در قالب محور مقاومت اسلامی که در پرتو پیوندهای جغرافیایی یا منافع مشترک، با هم مرتبط هستند، هم چنین منطقه

به مجموعه‌ای از کشورها اشاره دارد که با یک ویژگی مشابه یا بیش‌تر، مانند سطح توسعه، فرهنگ، یا نهادها و گروه‌های سیاسی، باهم پیوستگی دارند و همگی جهت کسب امنیت و هویت مساعی مشترک خواهند داشت (بوزان و ویور، ۱۳۸۸: ۲۱). امنیت هستی‌شناسی محور مقاومت مورد تهاجم غرب و رژیم صهیونیستی است و به دنبال به حاشیه راندن اندیشه‌های تشیع به رهبری ایران در غرب آسیا هستند تا از این طریق ساختارهای اجتماعی منطقه را با تهدید مواجه کنند، چپستی و هویت محور مقاومت از سوی آمریکا و هم‌پیمانان غربی‌اش مورد تهدید و تهاجم قرار گرفته است، تا بتوانند هویتی جدید در منطقه غرب آسیا حاکم کنند (نیاکونی و بهمنش، ۱۳۹۱: ۱۶۶). از آنجایی که غربی‌ها درصدد به خطر انداختن امنیت هستی‌شناسی محور مقاومت اسلامی بودند، اگرچه محور مقاومت اسلامی به تبع از ساختارهای اجتماعی منطقه گسترش و به فعالیت‌های منطقه و فرامنطقه‌ای پرداخت، درنهایت محور مقاومت سعی در گسترش بدنه خود و نفوذ در بین ملت‌های مسلمان منطقه و تغییر در معادله قدرت منطقه با هدف به دست آوردن امنیت هستی‌شناسی داشته است و براساس هویت اسلامی این محور، معناها و ارزش‌های واقعی به مسلمانان بازگردانده شد تا هویت واقعی خود را از رهگذر امنیت کسب کنند (فیض الهی خیاوی، ۱۳۹۴/۱۱/۰۴).

۲.۶ شناسایی

براساس رویکر سازه‌انگاری، کنش‌گران عرصه بین‌الملل به‌ویژه قدرت‌های نوظهور درپی شناسایی خود توسط سایر کنش‌گران عرصه بین‌الملل هستند و شناسایی جزء اولین منافع کنشگران بین‌المللی است و هر قدرت نوظهوری بتواند خود را به سایر قدرت‌های جهانی بشناساند، بر ساختارهای منطقه‌ای و بین‌المللی تاثیر مطلوبی خواهد گذاشت. با شناسایی قدرت محور مقاومت اسلامی در غرب آسیا با محوریت ایران در طی چند دهه اخیر، می‌توان قدرت بازدارندگی این محور را ناشی از ساختارهای اجتماعی مستقر در غرب آسیا دانست (فردانیوز، ۱۳۹۵/۰۷/۰۱). طبق بیان ونت، مهم‌ترین مولفه در زندگی اجتماعی این است که بازیگران چگونه خود و دیگری را بشناسند، این شناسایی از خود و دیگران، آغازگاه اندرکنش بازیگران می‌باشد و به واسطه آن مشخص می‌شود بازیگران چه کسانی هستند و چه می‌خواهند و چگونه باید رفتار کنند. برداشت‌های خود از دیگری تنها دریافت‌های انفعالی از چیزی مستقل از خود نیست، بلکه برعکس آن‌ها به صورت فعال نقش خود را در مقابل دیگران انجام می‌دهند، این همان نقش هویت خود در مقابل دیگری است که تابع باورهای خود و دیگران می‌باشد

(Wendt, 1999, 335). گفتمان محور مقاومت با تاکید بر مشترکات دین مبین اسلام و با کمرنگ جلوه دادن تفاوت‌های زبانی و نژادی در جغرافیای اسلام، در صدد استقرار انترناسیونالیسم اسلامی با حضور و مشارکت کلیه ملت‌های مسلمان تحت سلطه است. برخلاف ناسیونالیسم که بر معیارهای قومی، زبانی، جغرافیایی، نژادی و... تاکید دارد، انترناسیونالیسم با تاکید بر معیارهای فوق ملی، دایره تعلقات انسانی را توسعه بخشیده و بر همکاری بین ملت‌های هم‌سو و همگن تاکید می‌کند. لزوم هم‌سو بودن ملت‌ها بر اساس اشتراکات به نوعی بر اساس شناسایی هویت‌های مشترک ملت‌های منطقه در غرب آسیا است (غرویان، قوامیان، ۱۳۸۰: ۱۰۹). سیر تکوینی محور مقاومت اسلامی با شناسایی سه طیف متفاوت به عرصه جهانی درآمد: طیف اول، با ظهور اصلاح‌گرانی هم‌چون سید جمال‌اسدآبادی و اقبال لاهوری است که با آغاز رکود تمدن اسلامی و خروج غرب از قرون وسطی است، مبارزات در این زمان به صورت فردی و جزیره‌ای بود. در موج دوم شناسایی که اغلب کشورهای غرب آسیا را دربر می‌گرفت، اسلام سیاسی جایگزین اسلام فردی شده بود و تقابل بین اسلام سیاسی و اسلام غربی، رنگ و بوی قهرآمیز به‌خود می‌گیرد. ظهور رژیم اشغالگر قدس، ظهور استعمار نو، افول ناسیونالیسم عرب، هژمون شدن سبک زندگی غربی در کشورهای اسلامی و بالاخره پیروزی انقلاب اسلامی از ویژگی‌های این موج است، با ظهور انقلاب اسلامی، تحرک بسیاری توسط سایر ملت‌ها جهت شناسایی و عرض اندام و مبارزه با قدرت‌های جهانی در غرب آسیا بوجود آمد (ناظمی اردکانی، خالدیان، ۱۳۹۷: ۷۲-۷۰). از مهم‌ترین بازیگران هویت‌ساز و تاثیرگذار در منطقه خاورمیانه، دولت جمهوری اسلامی بوده است. به تعبیری، ایران تنها دولت اسلامی و واقعی در جهان اسلام است که برپایه ارزش‌های دینی قرار داشته و توانایی مدیریت یک دولت مدرن برپایه اسلام را دارد، این امر باعث ترویج این نظریه شده است که مدل دولت اسلامی می‌تواند به‌عنوان بهترین آلترناتیو در مقابل دولت‌های استبدادی و توتالیتار با محوریت محور مقاومت اسلامی قرار گیرد (دهشیری، ۱۳۹۴: ۱۶۱).

۳.۶ امنیت مادی

کشورهای محور مقاومت در طی دهه اخیر در قالب اتحاد و هم‌گرایی در مقابل ایالات متحده آمریکا به‌عنوان یک مانع جدی عرض اندام کرده‌اند و توانستند امنیت مادی آمریکا و متحدان منطقه‌ای آن را با چالش‌های جدی مواجه کنند و تلاش آن برای سلطه‌گری بر سایر کشورها منطقه غرب آسیا را با اختلال همراه سازد، هم‌چنین محور مقاومت، یک ائتلاف ژئوپلیتیک

منطقه‌ای و مرکب از مجموعه بازیگران دولتی شامل کشورهای ایران، سوریه و عراق و سازمان‌های غیردولتی مانند، حزب الله لبنان، حماس و جهاد اسلامی فلسطین و جنبش شیعیان حوثی‌های یمن است که دارای منافع مشترک ملی، ژئوپلیتیک و ایدئولوژیک می‌باشند و جمهوری اسلامی ایران در مرکز آن قرار دارد تا بتوانند امنیت مادی متحدان منطقه‌ای آمریکا را به‌خطر بیندازند (بصیری و مجیدی‌نژاد، ۱۳۹۶: ۱۱). درحقیقت مقاومت، نبردی نامتقارن است که با آسیب‌پذیری دشمنان قدرتمند ارتباط دارد و شاید مقاومت امروز تنها قدرت فائقه بر اسرائیل و آمریکا است. تأثیر انقلاب اسلامی بر فلسطین برجسته‌تر از هر مکان دیگری بود، زیرا مسلمانان فلسطین درحالی‌که تحت اشغال رژیم اسرائیل به سر می‌بردند و امنیت خود را درخطر می‌دیدند، ناامیدتر و فروپاشیده‌تر از تمامی مسلمانان قرار داشتند (Agnew, 1985: 35). محور مقاومت پایه اصلی حرکت خود را روی مبارزه‌ای ریشه‌ای با منکر بنا کرده و از دیدگاه این جنبش، آمریکا، فرانسه و اسرائیل را به‌عنوان دشمنان اصلی خود معرفی می‌کند (عظیمی دولت‌آبادی، ۱۳۹۵: ۱۱۰). از آنجایی که رهبران محور مقاومت اسلامی، آمریکا و حامیان منطقه‌ای آن (از جمله عربستان و رژیم صهیونیستی) را بزرگ‌ترین تهدید برای امنیت مادی خود می‌دانند و از این طریق امنیت را در منطقه غرب آسیا برای ملت‌ها به‌خطر انداخته‌اند و از این‌رو تامین امنیت ملت‌های منطقه در غرب آسیا یکی از رویکردهای تحولی محور مقاومت درطی چندسال اخیر بوده است تا از این طریق بتوانند ارزش‌ها و ساختارهای غرب آسیا را در منطقه و عرصه بین‌الملل احیا کنند (sajadi, 1993: 75).

۴.۶ توسعه

ایالات متحده آمریکا و کشورهای صنعتی غربی هم‌پیمان خود جهت تامین پایدار انرژی ملت‌های خود به دنبال به دست آوردن انرژی آزاد به قیمت ارزان در منطقه غرب آسیا هستند. درطی چند دهه اخیر محور مقاومت امنیت انرژی و توسعه‌طلبی آمریکا و هم‌پیمانان منطقه‌ای آن را با چالش مواجه کرده است، تا از این طریق بتوانند با حفظ ساختارهای موجود در منطقه درمقابل سیاست‌های توسعه‌طلبی و مداخله‌گری آمریکا و هم‌پیمانان منطقه‌ای آن قرار گیرند (F.Kennedy, 2016/02/23). با اتحاد ساماندهی گروه‌های محور مقاومت ازسوی نیروی قدس به‌عنوان پیشران سیاست‌های منطقه‌ای ج.ا.ایران با هدف افزایش دامنه کنش‌گری منطقه‌ای، بسط گفتمان مقاومت، اعمال بازدارندگی در برابر قدرت‌های استکباری، مقابله با حصر ژئوپلیتیکی و تغییر هندسه قدرت کنونی درغرب آسیا شکل گرفته است (مطلبی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۰۸-).

۱۰۶). محور مقاومت در مسیر تطور خود مراحل همانند شکل‌گیری براساس مجموعه‌ای از اصول همسان، بازسازی و تثبیت در درون و بیرون؛ شکوفایی و رشد و دوران تغییر و تحول را پشت سر گذاشته و هم اکنون به بالندگی و نهادینه‌سازی گفتمانی و عملیاتی رسیده است. نظام معنایی شکل‌دهنده به مفصل‌بندی گفتمان محور مقاومت برگرفته از مفاهیم و مضامین قرآنی و روایی است که یک شبکه منسجم معنایی را به وجود آورده که عموماً در میان تمامی اعضای گفتمانی و عملیاتی محور مقاومت مشترک است که از جمله این مفاهیم پایه‌ای می‌توان به جهاد در راه خدا و شهادت‌طلبی، وحدت‌گرایی، امت‌گرایی، استقلال‌طلبی و استقلال خواهی دانست که همه این مفاهیم دارای پشتوانه قرآنی هستند (اخوان وتاجیک، ۲۰۲۰: ۵۴-۴۹). آمریکا بعد از حمله به عراق و افغانستان، بخش اعظمی از مقبولیت خود را نزد جهانیان از دست داد و در مقابل آن با فعال کردن دیپلماسی عمومی مقاومت اسلامی در مقابل ساختارهای منحط در غرب آسیا، باعث شد تا با برپایی ساختارهای اجتماعی برخاسته از اسلام در این منطقه با نوعی از توسعه قدرت در سطوح مختلف در غرب آسیا باشیم که منجر به شکل‌گیری و قدرت روزافزون محور مقاومت شد (Lum & Others, 2008: 23-24). وضعیت و روند جاری ساختار قدرت اجتماعی در غرب آسیا تا قبل از این وابسته به قدرت‌های غربی از جمله آمریکا بوده است. تنزل وجهه غرب در طی سالیان اخیر در غرب آسیا باعث شد تا دولت‌ها و ملت‌های اسلامی در این منطقه با احساس تعلق و وفاداری به ارزش‌های اسلامی در مقابل سیاست‌ها و ساختارهای ساختگی غرب ایستادگی کنند و با تکیه بر ساختار اجتماعی (فرهنگ، قومیت و ارزش‌های معنایی) گفتمان محور مقاومت اسلامی را به سایر ملت‌های متقل کنند و با ایجاد محور مقاومت اسلامی در مقابل سیاست‌های فرمانطقه‌ای غربی‌ها عرض اندام کنند (آدمی، یزدان پناه و توتی، ۱۳۹۲: ۹-۳). محور دیگر، حفظ مصلحت دولت اسلامی است، این اصول کلی تعریف‌کننده هویت سیاسی جمهوری اسلامی ایران در نظام بین‌الملل محسوب می‌شوند و به‌طور کلی هویت سیاسی محور مقاومت اسلامی را در عرصه بین‌المللی توسعه خواهد بخشید (مصفا، ۱۳۸۹: ۲۴).

۷. نتیجه‌گیری

ساختار اجتماعی، یکی از پیش‌رانه‌های اصلی و تحول‌ساز در همه جوامع و مناطق مختلف بوده است که منطقه غرب آسیا به واسطه موقعیت ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژی از این قاعده کلی مستثنا نیست، منطقه غرب آسیا به واسطه پیشینه تاریخی، فرهنگی و هویتی خاص خود، همیشه منشا

تحلیل نقش ساختار اجتماعی منطقه غرب آسیا ... (محسن نصرافهانی و دیگران) ۱۳۱

و جولانگاه تحولات و رخدادهای سرنوشت ساز در عرصه بین‌المللی بوده است، محور مقاومت اسلامی با رویکرد استقلال‌خواهی و مبارزه با نفوذ بیگانگان و انگاره ظلم ستیزی در منطقه غرب آسیا با بهره‌گیری از مبانی ارزشی انقلاب اسلامی شکل گرفت و تبدیل به پیشران اصلی تحولات در طی دهه اخیر در منطقه غرب آسیا شد. براساس چارچوب سازه‌نگاری در تحلیل نقش ساختار اجتماعی بر گسترش و شکل‌گیری قدرت محور مقاومت اسلامی، شاهد شکل‌گیری ابعاد و سازه‌های ساختار اجتماعی به شرح ذیل در شکل‌گیری و گسترش محور مقاومت اسلامی خواهیم بود. در مولفه ساختار معنایی و محور مقاومت اسلامی با دو شاخصه اصلی (احیای هویت اسلامی از طریق نفی نظام سلطه، انقلاب اسلامی و گسترش محور مقاومت اسلامی) ارتباط معنایی برقرار شد و انقلاب اسلامی به عنوان یک عامل انسجام بخش در شکل‌گیری و گسترش محور مقاومت اسلامی از طریق نفی نظام سلطه به عنوان یک کنشگر اصلی ظاهر شد. در ساختار مادی و محور مقاومت اسلامی با دو مولفه تاثیرگذار از جمله: موقعیت ژئوپلیتیک و انرژی منطقه غرب آسیا بر شکل‌گیری و گسترش محور مقاومت اسلامی ارتباط موثر و مطلوب برقرار شد و در بعد ساختار منافع و محور مقاومت اسلامی با چهار مولفه اصلی (امنیت هستی‌شناسی، امنیت مادی، شناسایی و توسعه) ارتباط برقرار شد. در نهایت با بررسی موارد فوق الذکر، با تحلیل نقش ساختار اجتماعی منطقه غرب آسیا شاهد شکل‌گیری قدرت نوظهور محور مقاومت اسلامی با رویکرد موازنه قدرت در عرصه بین‌الملل خواهیم بود.

کتاب‌نامه

- اسلامی، محسن (۱۳۹۴). همشهری دیپلماتیک، شماره ۸۹.
- افضلی، رسول؛ رشیدی، مصطفی؛ متقی، افشین (۱۳۹۱). «تحلیل ساختار ژئوپلیتیکی حاکم بر روابط دوجانبه ایران و جمهوری آذربایجان از سال ۱۹۹۱ تا ۲۰۱۰ میلادی با رویکرد جغرافیای برساخت‌گرایی»، فصلنامه جغرافیای انسانی، شماره ۸۰، تابستان، صص ۱۹-۱.
- اکبری، حسین (۱۳۸۸). پدیده مقاومت، چارچوب تمرین قدرت فراملی، سیاست‌های دفاعی، سال هفدهم، شماره ۶۶.
- امینیان، بهادر (۱۳۸۶)، آمریکا و ناتو؛ پایایی و گسترش ناتو و هژمونی آمریکا، تهران: موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه امام حسین (علیه السلام).

- آدمی، علی؛ یزدان پناه، مهدی؛ توتی، حسینعلی (۱۳۹۲). «جایگاه دیپلماسی عمومی در سیاست خاورمیانه ای آمریکا؛ با تاکید بر دوران اوباما»، فصلنامه جستارهای سیاسی معاصر، سال چهارم، شماره ۱، صص ۲۲-۱.
- آدمی، علی؛ کشاورز مقدم، الهام (۱۳۹۴). «جایگاه مجموعه امنیتی محور مقاومت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال ۴، شماره ۱۴، صص ۱۹-۱.
- برزگر، ابراهیم؛ حسینی، سید محمد صادق (۱۳۹۲). «نظریه پخش و بازتاب انقلاب اسلامی ایران بر عربستان سعودی»، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال ۱۰، شماره ۳۳، صص ۱۸۷-۱۷۳.
- بصیری، محمدعلی؛ مجیدی نژاد، موسی (۱۳۹۶). «بررسی تهدیدهای امنیتی داعش در محور مقاومت و تاثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، مطالعات انقلاب اسلامی، دوره ۱۴، شماره ۴۸، صص ۲۶-۷.
- بوزان، باری؛ ویور، اولی (۱۳۸۸). مناطق و قدرت‌ها: ساختار امنیت بین‌المللی، ترجمه رحمان قهرمان‌پور، تهران: مطالعات استراتژیک.
- دهشیری، محمدرضا (۱۳۹۴). «بیداری اسلامی و شکل‌گیری هندسه جدید خاورمیانه»، مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال پنجم، شماره ۴، صص ۱۸۰-۱۵۷.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۹۰). «تحلیل راهبردی تحقق آرمان فلسطین در پرتو بیداری اسلامی در خاورمیانه و شمال آفریقا»، فصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام، دوره ۳، شماره ۶، صص ۱۱۰-۸۳.
- رضاپور، حسین (۱۳۹۳). «تاثیر انقلاب اسلامی بر نظام بین‌الملل»، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال ۱۱، شماره ۳۷، صص ۱۵۸-۱۴۱.
- روشندل، جلیل (۱۳۷۴). «اقداماتی برای اعتمادسازی در منطقه خلیج فارس»، مجموعه مقالات ششمین سمینار خلیج فارس، تهران: دفتر مطالعات وزارت امور خارجه.
- سیمبر، رضا؛ موسوی، سید نظام الدین؛ قاسمیان، روح‌الله (۱۳۹۳). «تاثیر انقلاب اسلامی ایران بر خیزش‌های مردمی در جهان عرب»، فصلنامه پژوهشنامه انقلاب اسلامی، سال ۳، شماره ۱۱، صص ۱۷-۱.
- عظیمی دولت‌آبادی، امیر (۱۳۹۵). «بررسی تطبیقی جنبش حزب‌الله لبنان و انصارالله یمن»، اندیشه سیاسی در اسلام، شماره ۱۱.
- غروی‌ان، محسن؛ قوامیان، شاکر (۱۳۸۰). ملی‌گرایی از دیدگاه اسلام، مجله معرفت، شماره ۵۰، صص ۱۱۰-۱۰۴.
- فرانیوز، ۱۳۹۵/۰۷/۰۱، نتانیاهو در مجمع عمومی سازمان ملل در مورد ایران چه گفت؟ قابل دسترسی در: <http://www.fardanews.com/fa/news> تاریخ بازبینی: ۱۳۹۵/۰۷/۰۱
- فرجی، برات (۱۳۹۲). «تاثیر ژئوپلیتیک انرژی بر شکل‌گیری ترتیبات امنیتی منطقه‌ای»، مطالعه موردی: منطقه خلیج فارس از دهه ۱۹۷۰ تا ۲۰۱۰م، رساله دکتری جغرافیای سیاسی، تهران، دانشگاه تربیت مدرس.
- فیض الهی خیاوی، مجید (۱۳۹۴). «بازسازی بزرگ و بازی ساز کوچک»، رمز گشایی از سیاست خارجی ترکیه در قبال موصل و شمال عراق، دیپلماسی ایرانی، قابل دسترسی در: <http://www.irdiplomacy.ir/> بازبینی در تاریخ: ۱۳۹۵/۰۵/۲۹

تحلیل نقش ساختار اجتماعی منطقه غرب آسیا ... (محسن نصرافهانی و دیگران) ۱۳۳

قلی‌زاده، علی (۱۳۹۰). «کدهای ژئوپلیتیکی و مناسبت اقتصادی ایران با قفقاز جنوبی»، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.

کریمی، ابوالفضل (۱۳۹۶). «نقش جمهوری اسلامی ایران در هویت بخشی به مجموعه امنیتی محور مقاومت اسلامی»، مجله پژوهش ملل، شماره ۲، صص ۱۴-۱.

متقی، افشین و مصطفی رشیدی (۱۳۹۴). «جغرافیا، برساخت‌گرایی و تبیین برساخت‌گرایانه ژئوپلیتیک (معرفی رویکرد ژئوپلیتیک برساخت‌گرا)»، فصلنامه جغرافیا و توسعه، شماره ۳۹، تابستان، صص ۱۲۶-۱۰۷.

متقی، افشین؛ رشیدی، مصطفی (۱۳۹۲). «تبیین ژئوپلیتیک‌گرایی الگوهای اسلام‌گرایی در جهان اسلام از منظر برساخت‌گرایی»، فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، سال دهم، شماره ۲۴، پاییز، صص ۹۱-۱۰۸.

مجرد، محسن (۱۳۸۶). «تأثیر انقلاب اسلامی بر سیاست بین‌الملل»، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی. مصفا، نسرين (۱۳۸۹). «نگاهی به سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، مرکز انتشارات.

مطلبی، محسن؛ طاقی، علیرضا؛ عفرای، محمدرضا (۱۳۹۶). «ظرفیت‌سنجی جنبش انصارالله یمن در عمق بخشی منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه سیاست دفاعی، دوره ۲۶، شماره ۱۰۱.

ملکی، عباس (۱۳۸۶). «امنیت انرژی و درس‌هایی برای ایران»، راهبرد یاس، شماره ۱۲، صص ۲۲۲-۲۰۷. میلانی، جمیل؛ اسماعیلی، محمد تقی (۱۳۹۳). «نظریه پخش و بازتاب انقلاب اسلامی بر پاکستان». فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال ۱۱، شماره ۳۸، صص ۶۴-۴۷.

ناظمی اردکانی، مهدی؛ خالدیان، صفرعلی (۱۳۹۷). «مولفه‌های فرهنگی گفتمان مقاومت اسلامی در جهان اسلام»، مجله مطالعات جهان اسلام، شماره ۲۶، صص ۸۶-۵۹.

نجفی، مصطفی (۱۳۹۴). «شش فرمول درک منازعات خاورمیانه»، سایت تابناک، شماره خبر ۵۴۷۷۴۶ مورخ ۹۴/۰۷/۲۵.

نصرافهانی، محسن، عباس خاتمی و حسین مسعودنیا (۱۳۹۶). «تحلیل نقش عوامل معنایی و هویتی در شکل‌گیری و گسترش جریان سلفی‌گری در کشورهای سوریه و عراق»، فصلنامه علوم سیاسی، سال ۲۰، شماره ۷۹، پاییز، صص ۱۸۰-۱۵۳.

نوروزی، محمد جواد (۱۳۹۱). دست در دست صبح، انقلاب اسلامی، قم، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، دفتر نشر معارف.

نیاکوئی سیدامیر؛ بهمنش، حسین (۱۳۹۱). «بازیگران معارض در بحران سوریه: اهداف و رویکردها»، فصلنامه روابط خارجی، سال چهارم، شماره ۴.

هادیان، ناصر (۱۳۸۲). «سازهانگاری: از روابط بین‌الملل تا سیاست خارجی»، فصلنامه سیاست خارجی، سال هفدهم، شماره ۴.

- Sajadi, Amir (1993). Iran's Relations with Saudi Arabi, India Quarterly. 35.
- Available at: <http://www.politico.eu/article/why-the-arabs-dont-want-us-in-syria-mideast-conflict-oil-intervention>.
- F Kennedy, Robert (2016/02/23). why the Arabs don't want us in Syria, politico
- Agnew, W (1985). Geopolitical Thought in the twentieth century. New York: St martins, john.
- Akhavan, Mohammad Javad; Tajik, Hadi (2020). "Study of the theoretical foundations of the nuclei of Islamic resistance in the discourse of the Islamic Revolution" Quarterly Journal of the Islamic Revolution, Year 10, No. 35. (In Persian).
- Lum, Thomas & Others (2008). "Comparing Global Influence: China's and U.S. Diplomacy, Foreign Aid, Trade, and Investment in the Developing World", Report for the Congressional Research Service, August 15.
- Salloukh, Bassel (2015). Overlapping Contests and Middle East International Relations: The R Scobell, Andrew; Ratner, Ely; Beckley, Michael, (2017). China's Strategy toward South and Central Asia: An Empty Fortress.
- Salehzadeh, A (2013). Iran's domestic and foreign policies. Series 4: Working Papers, No 49.
- Philpott, D (2001). Revolutions in Sovereignty: How Ideas Shaped Modern International Relations, Princeton, NJ: Princeton University Press.
- Wendt, A (1994). "Collective Identity Formation and the International State", American Political Science Review, pp. 76-88.
- Wendt, A (1994)."Collective Identity and the International State", American PoliticalScienceReview, Vol.88, p.391 -425.
- Available at: <http://www.politico.eu/article/why-the-arabs-dont-want-us-in-syriamideast-conflict-oil-intervention/>